

## تأثیر ویژگی‌های قومی در فرآیند مشارکت سیاسی کشور (مطالعه میدانی: استان خوزستان)

دکتر زهرا احمدی پور<sup>۱</sup>، دکتر سیدعلی علوی<sup>۲</sup> و محمدرضا هیودی<sup>۳</sup>

### چکیده

ارتباط میان هویت قومی و مشارکت سیاسی در واقع متأثر از عوامل جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ساختاری بوده است، و میزان این مشارکت و تمایل اقوام مختلف یک کشور در فرایند تصمیم‌گیری و تحقق و تأثیر آن بر روند توسعه و انتخاب در جوامع در حال گذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، مشارکت شهروندان در پهنه جغرافیایی قومی و هدایت آن به سوی هویت ملی، امکان حضور افراد و اقوام در بخش‌های مختلف جامعه را فراهم، و ثبات سیاسی و توسعه‌یافتگی را بدنبال داشته است، به نحوی که ارتباطات اجتماعی را در ساختار سیاسی تسهیل و بستر مشارکت گروه‌های قومی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور، فراهم نموده است. این پژوهش میزان مشارکت اقوام مختلف استان خوزستان از اوایل انقلاب اسلامی تاکنون و نقش آنها در مشارکت سیاسی در سطوح ملی، محلی را مورد مطالعه قرار داده است. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بوده، که با استفاده از اسناد و مدارک، اقدام به گردآوری اطلاعات شده است، و سپس با استفاده از جداول و داده‌های میدانی، و نیز به‌کارگیری نرم‌افزارهای سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و آماری به تجزیه و تحلیل فضایی میزان مشارکت اقوام در فرایند مشارکت سیاسی کشور و نیز کشف رفتار سیاسی قومیت‌ها، در ربع قرن حاضر برآمده است.

کلیدواژگان: تمایلات قومی، هویت ملی، رفتار سیاسی، مشارکت سیاسی، سیاست‌های قومی، استان خوزستان.

۱. دانشیارگروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه**

بالا بودن میزان مشارکت سیاسی در جامعه و امکان حضور افراد از هر گروه قومی و فرهنگی و دخالت آنها در سرنوشت خود، به تقویت یکپارچگی ملی و انسجام سیاسی و تشکیل یک جامعه پویا و متکثر سیاسی کمک کرده، و به تعامل بین نخبگان سیاسی و مردم منجر خواهد شد. ملت‌ها همانند دیگر پدیده‌ها، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی، تنها اشغال‌کننده سرزمین نیستند، بلکه مدعی همخوانی با مکان جغرافیایی ویژه‌ای هستند، آنان با حکومت در این داریی سرزمین شریک بوده و از این مشارکت است که حکومت ملی پدید می‌آید (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۶۵). اما دولت‌ها بر اساس نوع اقدامات و با سیاست‌های خود در برابر تمایلات مختلف ملت‌ها و جمعیت‌های قومی، رویکردهای مختلفی در قالب حقوق برابر و مساوی برای کلیه اعضای اجتماعات و یا حتی در قالب بسیار منفی از قبیل نسل‌کشی، اردوگاه‌های کار اجباری، جابجایی جغرافیایی جمعیت (مهاجرت)، جنگ و پاکسازی قومی را در پیش می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۶۷). تمامی این الگوها در راستای پیوند دهندگی بین سرزمین و یکپارچگی ملی عمل می‌نماید و باید گفت قدرت دولت از پیوند سرزمین میان حکومت و ملت ناشی می‌شود (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۹). در تاریخ ایران حکومت‌های مرکزی همواره ساز و کار خاصی را در کش خویش نسبت به حکومت‌های محلی و گروه‌های قومی در پیش می‌گرفتند. این کنش واکنش‌های متقابل خود را در پی داشت و باعث تعاملاتی در روابط بین آنها می‌شد و در صورت نادیده گرفته شدن اقوام توسط حکومت‌های مرکزی، سبب بروز رفتارهای سیاسی گوناگون توسط اقوام می‌شد که مشکلات زیادی را به همراه داشت (پیردشتی، ۱۳۸۰: ۶). در این راستا استان خوزستان نیز به دلیل ساختار قومیتی آن که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی با بخش مرکزی کشور دارند، نوعی رفتارسیاسی در بین مردم در قرن اخیر جلوه گر شده است که تحقیق حاضر به بررسی علل آن پرداخته است.

**بیان مسئله**

ارتباط میان تمایلات قومی و مشارکت سیاسی در واقع ارتباطی پیچیده است، که متأثر از فاکتورهای جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی، ساختاری و میانجیگری سیاسی است. یکی از موضوعات مورد بحث در جغرافیای سیاسی، بررسی میزان مشارکت سیاسی اقوام مختلف یک کشور در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان کشور در جهت ایجاد حس همبستگی ملی و

یکپارچگی سیاسی کشور است. ایران نیز سرزمینی است کهن که اقوام آن ده‌ها قرن با هم زیسته و سرزمین مشترکی را به ارث برده‌اند و هویت مشترکی را به دست آورده‌اند. استان خوزستان شامل اقوام مختلف است که در گستره جغرافیایی آن پراکنده شده‌اند. عشایر و ایلات لر و بختیاری- که طی قرن اخیر در شهرهای منطقه ساکن شده و بعضاً در صنایع و تأسیسات نفت مشغول به کار شده‌اند- به ترتیب سکنه این منطقه را تشکیل می‌دهند که به دلیل غلبه فرهنگ غیرعربی باید این منطقه را دنباله بخش مرکزی ایران دانست که در شرق و شمال جلگه خوزستان است. بخش‌های غربی و جنوبی جلگه خوزستان شامل خرده ناحیه‌ای می‌شود که عموماً عرب و دارای فرهنگ خاص هستند، از بافت انسانی و فرهنگی متمایزی برخوردارند. این دو گروه از اقوام اصلی ساکن در این استان به شمار می‌روند. ساکنان منطقه عرب نشین خوزستان، از حیث زبان و قومیت، اصالتاً عرب هستند. مردم این منطقه عمدتاً شیعه مذهب بوده و با بخش مرکزی ایران همگونی دارند. بر همین اساس، مشارکت سیاسی اقوام در این استان در طول تاریخ ۳۰ ساله انقلاب اسلامی متفاوت بوده است. این تفاوت را می‌توان به این صورت بیان کرد که در ابتدای انقلاب میزان مشارکت اقوام استان در مشارکت و انتخابات سیاسی ۶۷ درصد بوده است، که این میزان از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۴ به ۵۷ درصد رسیده است، و میزان رشد نیز ۱۰- درصد بوده است که نشان‌دهنده پایین آمدن مشارکت سیاسی اقوام استان خوزستان است. با توجه به طرح مسئله اصلی تحقیق، سؤال اساسی پژوهش عبارت است از:

آیا تمایلات قومی در فرآیند مشارکت سیاسی در استان خوزستان مؤثر بوده است؟

## مبانی نظری تحقیق

### هویت

هویت واژه‌ای عربی است که از دو جزء تشکیل شده است جزء اول، ضمیر غایب «هو» و جزء دوم علامت «یت» که در زبان عربی مصدر جعلی می‌سازد. این واژه متداول‌ترین معادلی است که برای آن قرار داده شده است. معادل‌های این واژه عبارتند از: «این همانی» «هماندی» «انطباق» «ماهیت» و... (لک، ۱۳۸۴: ۶۳). هویت با سه مقوله مکان (جغرافیایی) فضا (شبکه‌ها و روابط اجتماعی) و زمان (تاریخ) پیوند دارد و از ویژگی‌ها و تحولات این سه مقوله متأثر می‌شود. بنابراین

می‌توان مسائل مربوط به هویت را با بررسی پدیده‌هایی که حاوی این سه عنصر هستند مورد بررسی قرار داد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۱۶). در این صورت است که امکان بروز بحران هویت وجود دارد و سر آغازی استبرای رشد هویت‌های فراملی به عنوان رقیب هویت ملی که از جمله می‌توان به قومیت‌گرایی و هویت قومی اشاره کرد (قیصری، ۱۳۷۷: ۵۴).

### هویت قومی

«هویت قومی» نوعی از احساس هویت است که می‌تواند افرادی را از اعضای یک قوم که بنا به اشتراکات جغرافیایی، زبانی، تاریخی، نژادی، بین آنها همبستگی وجود دارد با هم منسجم کند (لک، ۱۳۸۴: ۶۳). هویت قومی به مجموعه‌ای خاص از عوامل عینی و ذهنی، فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی و نفسانی که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد گفته می‌شود، زیرا که این هویت باید با واقعیت همان گروه منطبق باشد (الطایبی، ۱۳۸۲: ۱۵۸).

### هویت ملی

هویت به معنی «چه کسی بودن» است، اینکه یک فرد یا گروه انسانی خود را چگونه می‌شناسد و می‌خواهد چگونه بشناساند یا چگونه شناخته شود. هویت پاسخی به نیاز طبیعی در انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی است. مجموعه‌ای از همه پدیده‌هایی چون یک سرزمین سیاسی مشترک، دین مشترک، زبان مشترک و ... که پدید آورنده مفهوم ملت است، «شناسنامه ملی» را پدید می‌آورد که هویت ملی یک گروه انسانی با یک ملت را واقعیت می‌بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۶۶). در هویت ملی سؤال این است که فرد خودش را عضو چه واحد سیاسی می‌داند و تا چه اندازه احساس یگانگی او با واحد سیاسی واضح و عمیق است (بهرامی، ۱۳۷۷: ۷۷). از نقطه نظر هویت ملی نکته مهم این است که از لحاظ روانی، اعضای یک ملت، احساس کنند که در دستیابی به این حقوق، موقعیتی برابر با یکدیگر دارند و در حق آنها ظلم و تبعیض روا نشده است و هر چه یک نظام سیاسی در تأمین این برابری، عملکرد موفق‌تری داشته باشد، هویت ملی در آن کشور بحران کمتری دارد (مکنزی، ۱۳۷۵: ۲۱۸). با توجه به این حقیقت که هویت ملی هر ملتی، در درجه نخست، زاییده

محیط جغرافیایی آن ملت است می‌توان نتیجه گرفت که فلات ایران گهواره پیدایش و پرورش هویت ایرانی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۶۶).

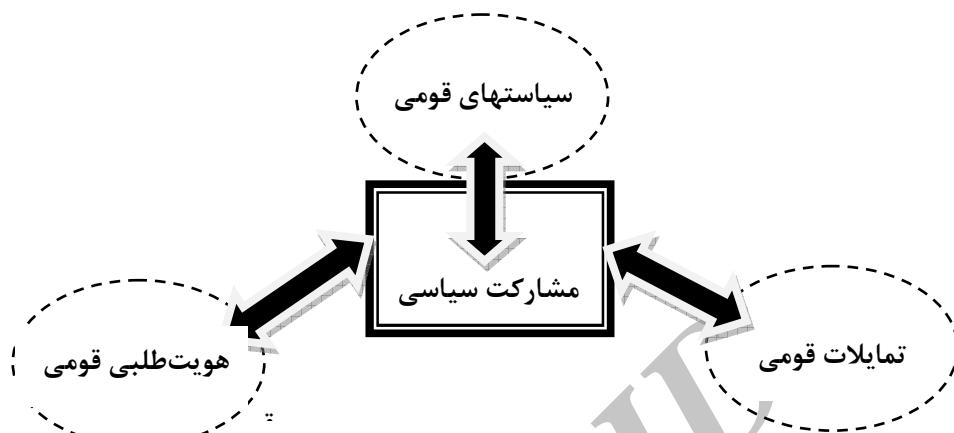
### رفتار سیاسی

رفتار سیاسی به فعالیت سیاسی افراد و پیامدهایی که این فعالیت برای نهادهای سیاسی دربر دارد اشاره می‌کند. مطالعه رفتار سیاسی موضوعاتی مانند مشارکت یا عدم مشارکت در سیاست و رفتار رأی‌دهندگان در تکوین سلوک سیاسی و شکل‌گرفتن افکار عمومی را دربر می‌گیرد (آبراکرمی و همکاران، ۱۳۶۷: ۲۸۵). آنچه در ارتباط با رفتار سیاسی اقوام جالب توجه است، این است که گذشته از استثنائات معدود، احیای قومیت به عنوان یک نیروی سیاسی در اغلب حوزه‌های پژوهشی پیرامون تغییر اجتماعی و توسعه سیاسی نادیده گرفته شده است (olzak, 322; 1992). هر چند یک مجموعه قوی از حیث نظری و غنی از نظر تجربی مشتمل بر تحقیق در باره ابعاد و پویایی رفتار سیاسی اقوام وجود دارد، اما این حجم از ادبیات هنوز مورد توجه کاملاً مورد توجه بخش عمده حوزه تغییرات اجتماعی مقایسه‌ای و توسعه سیاسی قرار نگرفته است (hall, 145; 2002).

### قومیت

قوم یک گروه انسانی، نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است که حتی از دیگر گروه‌های نژادی خود قابل تشخیص و تفکیک می‌گردد (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و غیر آن از حس منافع و مسئولیت (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶). قومیت به عنوان هویتی فراملی همواره مطرح بوده و اگر فرایند ملت‌سازی به صورت کامل انجام نشده باشد، می‌تواند محوری برای ادعاهای گریز از مرکز مطرح شود و به عنوان وسیله‌ای برای هویت‌یابی در جوامع چند فرهنگی و چند نژادی و یا تلاش در جهت وحدتی روانشناسانه بر مبنای یک عنصر ذهنی یا واقعی مانند خون و سرنوشت مشترک تعریف شده است (oommen, 36; 1997). برخی از نویسندگان

قومیت را به عنوان مجموعه‌ای مرکب از وفاداری‌های به‌جا مانده از مرحله ابتدایی توسعه اجتماعی می‌دانند که ضرورتاً باید جای خود مشارکت سیاسی را به عقلانیت اقتصادی به عنوان نیروی محرکه اصلی رفتار آدمیان بدهد (birch,325;1987).



شکل ۱: مدل رابطه سیاست‌ها، تمایلات و هویت‌طلبی قومی با مشارکت سیاسی

مدل از: مولفین

### همگرایی و تمایلات قومی

همگرایی از جنبه سیاسی پویایی است که این پویایی منجر به شرایطی خواهد شد که گروهی از مردم و یا مراکز مختلف تصمیم‌گیری در قلمرو جغرافیایی معین احساس اتحاد و همگرایی کنند. و کارکردشان به قدری قوی است که به تغییر صلح‌آمیز وضع موجود شدیداً کمک کند (ازغندی، ۱۳۸۰: ۸۹). وقتی تعدادی از گروه‌های قومی جداگانه درون جامعه‌ای که به صورت داوطلبانه و یا غیرداوطلبانه از اعمال یکجانبه قدرت خود صرفه‌نظر نمایند، و برای حصول هدف‌های مشترک از یک قدرت ملی تبعیت کنند، به ایجاد یک دولت ملی کمک می‌کنند که شامل مراحل زیر است: ۱. ابراز نیاز به همگرایی؛ ۲. همکاری محدود؛ ۳. وحدت؛ ۴. تکامل و ایجاد پیوستگی‌ها؛ ۵. پایان همگرایی (همان، ۹۰). از آنجا که منافع اجتماعی مطابق با خطوط قومی توزیع می‌شوند، نیازها و دردهای مشترک نیز به همین صورت مبتنی بر تقسیم بندی‌های قومی خواهند بود و سازمان‌های اجتماعی نیز برای پاسخ‌گویی به همین نیازهاست که سر بر آورده است (rogowski,89;1985).

### مشارکت سیاسی

مفهوم مشارکت سیاسی با مفهوم دموکراسی همراه است و ریشه در یونان باستان دارد، اما مشارکت سیاسی بیشتر از زمان تشکیل دولت ملی در ابتدای قرن نوزدهم یعنی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و سپس در انقلاب‌های دیگر اروپایی صورت گرفت (برتون، ۱۳۸۰: ۲۲۸). مشارکت سیاسی، درگیری فرد در کلیه سطوح سلسله مراتبی عمل سیاسی از رأی‌دادن تا تصدی مقامات عمده سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). شرط رسیدن به مردم‌سالاری، مشارکت شمار ممکن مردم در شکل‌گیری قدرت است تا در جهت وصول به مناسب و منظورهای سیاسی، راه ورود همگان مهیا شود. بنابراین نهاد انتخابات از شرایط لازم تحقق مردم‌سالاری محسوب می‌شود و در هر کشوری یک نظام انتخابات همگانی وجود دارد. انتخابات مشتمل بر مجموعه عملیات پیش‌بینی شده در قوانین یا آیین‌نامه‌های اجرای کشور در راستای گزینش فرمانروایان، جهت مهار قدرت است (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۲۵).

هر جا مشارکت به عنوان وسیله در نظر گرفته شود، ناچار به مثابه عاملی تجلی می‌کند که در خدمت توسعه و یا جزئی از توسعه است. ولی به عنوان هدف به فرایندی اشاره دارد که نتیجه آن مشارکت مؤثر است، مشارکت به عنوان یک (هدف) یعنی کسب امتیاز به منظور نیل به مشارکت مؤثر، لذا با اختیار و آزادی ارتباط می‌یابد. یا به عبارتی مشارکت در چنین مفهومی بدنبال کسب اختیار و سهم شدن در قدرت و بدست آوردن آزادی است (پیتر و کلی مارسدن، ۱۳۷۰، ۴۳). از آنجایی که در کشور ما حفظ وحدت ملی و یکپارچگی سیاسی یکی از ضروریات جامعه به شمار می‌رود توجه به این امر مهم و ضروری است. یکی از راه‌های حفظ وحدت ملی و یکپارچگی سیاسی و ارضی افزایش میزان مشارکت عمومی در ارکان اجرایی و تصمیم‌گیری است (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

### سیاستهای قومی

تاکنون چند استراتژی در این زمینه در بین کشورهای جهان مطرح بوده است که در این تحقیق صرفاً به استراتژی مناسب با فرضیه تحقیق اشاره می‌شود:

### سیاست قومی تکثرگرایی برابر و نابرابر

سیاست‌هایی که به جهت حمایت از تکثرگرایی طراحی شده‌اند، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده گروه‌های چند قومی از یکدیگر را تشویق و ترغیب می‌نمایند (صدر، ۱۳۷۵: ۲۰). جامعه‌های چند قومی که توسط اصول تکثرگرایی مساوات‌طلبانه هدایت می‌شوند، گروه‌های قومی تبدیل به گروه‌های ذی‌نفع سیاسی می‌شوند که بر سر منافع اجتماعی با یکدیگر رقابت می‌کنند، بدین‌صورت که تمام گروه‌ها نسبت به یک نظام سیاسی مشترک و واحد وفادار هستند و در داخل نظام اقتصادی و اصولی مشارکت می‌جویند و مجموعه یکسانی از ارزش‌های قومی را ادراک می‌کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

### سیاست‌های قومی تاریخ معاصر ایران

حضور و نقش شمار زیادی از اقلیت‌های قومی در ایران، این کشور را به لحاظ تاریخی در مقابل مسائل ملی آسیب‌پذیر نموده است. عرب‌ها، آذری‌ها، کردها، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها همگی نقشه قومی در ایران را تشکیل داده که ساختار متمرکز اداری - سیاسی ایران از نقطه نظر نوع تأثیر و استراتژی برخورد با گروه‌های قومی در مقاطع مختلف متأثر از اقدامات ایلات و اقوام مختلف بوده است (پاک مهر، ۱۳۸۱: ۱۵). تغییر و تحولات در بخش جامعه و سیاست در چهار منطقه جغرافیایی ایران، یعنی خوزستان، کردستان، بلوچستان و آذربایجان که عمده‌ترین گروه‌های زبانی و مذهبی ایران در آن ساکن هستند، به حضور دیرپا و تاریخی این گروه‌ها در ایران و نقش آنها در تکوین و ارتقاء میراث سیاسی و فرهنگی ایران، همواره مورد توجه بوده است. این امر نشان می‌دهد که اختلافات زبانی تا اواسط قرن بیستم عامل سیاسی مرکز‌گریزی این گروه‌ها نبوده، برعکس اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی بویژه در نواحی کردستان و بلوچستان نقش به‌سزایی در این رابطه ایفاء کرده است (احمدی، ۱۳۷۹: ۳۷۵).

### روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است، که با استفاده از اسناد و مدارک، کتب و متون، اقدام به گردآوری اطلاعات شده است، سپس با استفاده از جداول و داده‌های



میدانی، و نیز به‌کارگیری نرم‌افزارهای سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و آماری (SPSS) به تجزیه و تحلیل فضایی اطلاعات پرداخته شده است.

### ضرورت تحقیق

شناسایی عوامل مؤثر بر آراء و عقاید اقوام مختلف، نقش و تمایل آنها در مشارکت سیاسی در سطح استان، شناسایی زمینه‌های واگرایی در استان خوزستان و تقویت زمینه‌های همگرایی.

### فرضیه تحقیق

تمایلات قومی در فرآیند مشارکت سیاسی استان خوزستان مؤثر است.

### موقعیت جغرافیایی استان خوزستان

از نظر جغرافیایی منطقه جغرافیایی خوزستان در تمامی دوره‌های تاریخی، واقع در ساحل شرقی رود دجله و مرزهای غربی سرزمین ایران بوده است که در برخی مقاطع تاریخی در اثر منازعات و برخوردها، تغییراتی در آن حاصل شده است (مقصودی، ۱۳۸۲: ۷۳). خوزستان در حدود پنج هزار سال پیش مسکن اولیه دولت مقتدر ایلامیان بوده است (سیادت، ۱۳۷۹: ۷). اکنون خوزستان به لحاظ توپوگرافی و ساختار قومی و فرهنگی به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. خوزستان مرتفع که مابین دشت کم ارتفاع خوزستان و دامنه‌های غربی رشته کوه زاگرس واقع است؛ این بخش از حیث انسانی و فرهنگی، در واقع امتداد گستره جغرافیایی بخش مرکزی است و اساساً قشلاق عشایر زاگرس به شمار می‌روند. عشایر و ایلات لر و بختیاری که طی قرن اخیر در شهرهای منطقه ساکن شده و بعضاً در صنایع و تأسیسات نفت مشغول به کار شده‌اند، ترکیب سکنه این منطقه را تشکیل می‌دهند؛ ۲. خوزستان کم ارتفاع که شامل بخش‌های غربی و جنوبی جلگه خوزستان است. مردم این خرده ناحیه که عموماً عرب و دارای فرهنگ خاص هستند، از بافت انسانی و فرهنگی خوزستان مرتفع متمایزند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۰ - ۱۶۹).

## یافته‌های تحقیق

برای بررسی و پاسخ‌گویی به سؤال و فرضیه تحقیق دو شاخص مشارکت سیاسی (انتخابات) و مدیریت سیاسی استان بر اساس قومیت ملاک قرار گرفته است.

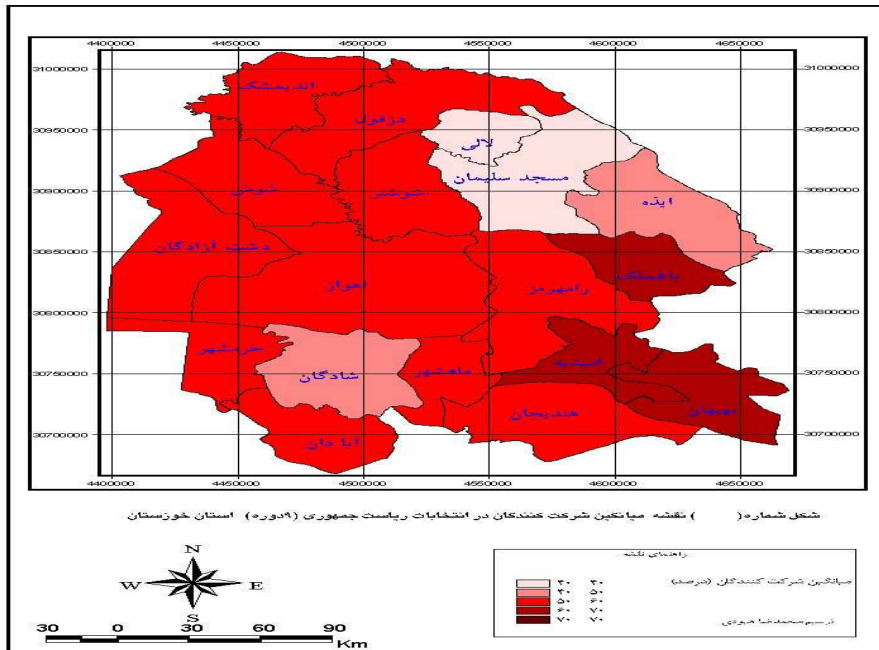
## مشارکت سیاسی اقوام استان

در استان خوزستان نیز همانند دیگر مناطق کشور که به عنوان یک منطقه قومی شناخته شده و دارای ساختار سلسله مراتبی قبیله‌ای است و در بعضی زمینه‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی متفاوت با بیکره اصلی ایران است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون مشارکت آنها در انتخابات چه در سطح محلی و ملی نوسانی را نشان داده است.

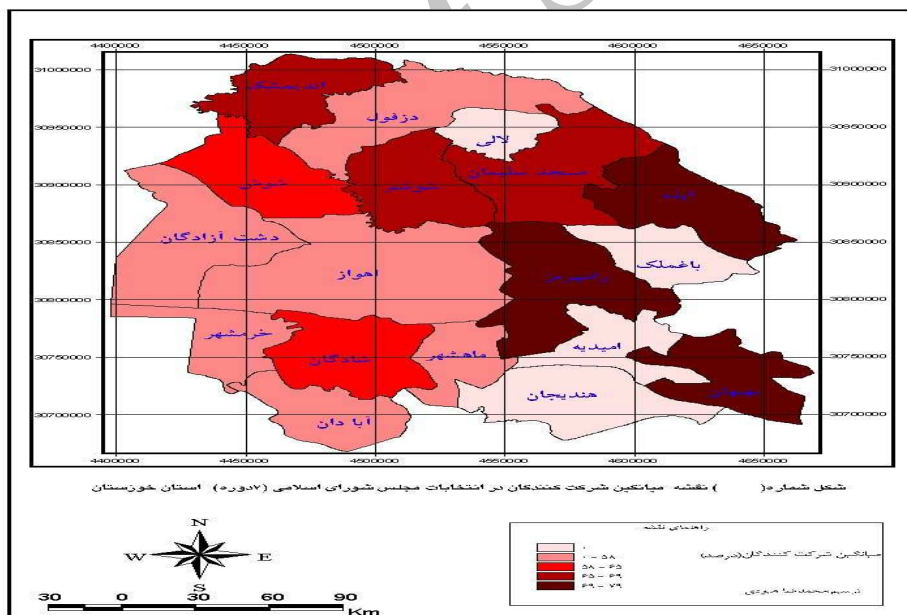
جدول ۱: قومیت ساکنین استان و کاندیداهای دو دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا

ردیف	نام شهرستان	قومیت		تعداد اعضای شورای شهر	قومیت اعضای شوراها	
		عرب	فارسی زبان		فارسی زبان	عرب
۱	آبادان	۵۸	۴۲	۹	۶	-
۲	امیدیه	-	۱۰۰	۷	-	۷
۳	اندیمشک	-	٪۱۰۰	۷	۷	-
۴	اهواز	۶۲/۳۱	۳۷/۶۹	۹	۲	۷
۵	ایذه	-	٪۱۰۰	۷	۷	-
۶	ماهشهر	-	٪۱۰۰	۷	۷	-
۷	بهبهان	٪۲۶	٪۷۴	۷	۷	-
۸	خرمشهر	-	٪۱۰۰	۷	۷	-
۹	دزفول	٪۱۰۰	-	۹	۹	-
۱۰	راهرمز	٪۵	٪۹۵	۵	۵	-
۱۱	دشت آزادگان	٪۱۰۰	-	-	-	۵
۱۲	شوش	٪۵	٪۹۵	۲	۲	۵
۱۳	شوستر	٪۱۰۰	-	۷	۷	-
۱۴	مسجدسلیمان	۸۳/۵۴	۱۶/۴۶	۵	۵	-
۱۵	باغملک	٪۱۰	٪۹۰	۵	۵	-
۱۶	شادگان	-	٪۱۰۰	۲	۲	۳
۱۷	لالی	-	۱۰۰	۵	۵	-
۱۸	هندیجان	-	۱۰۰	۵	۵	-
۱۹	کل استان	-	-	۱۰۵	۹۱	۱۴

منبع: معاونت سیاسی استانداری، فرمانداری‌ها و شوراهای استان خوزستان، سال ۱۳۸۴.

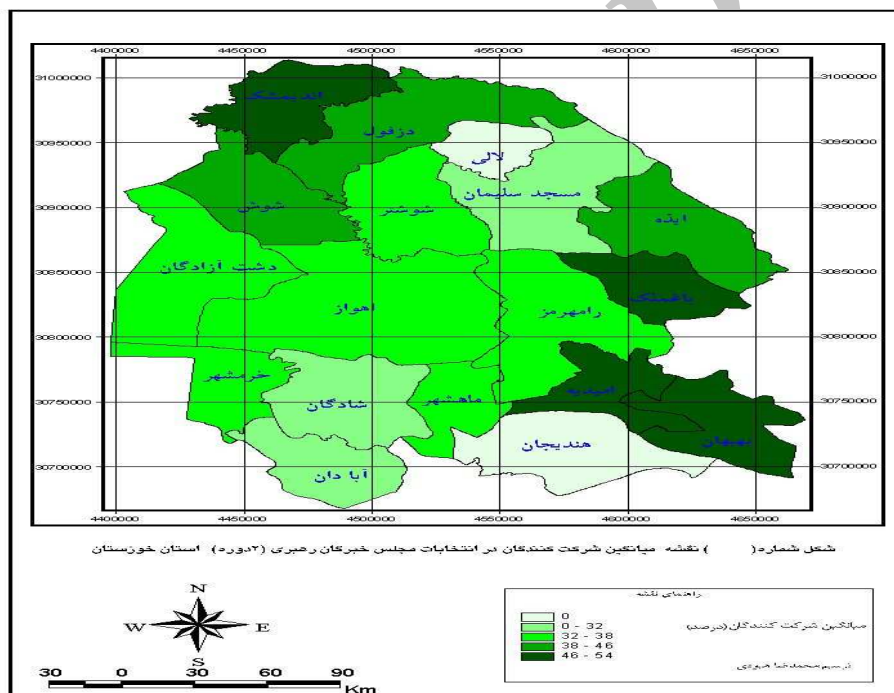


شکل ۲: نقشه میانگین شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری (۹ دوره) (منبع: مولفین، سال ۱۳۸۹)



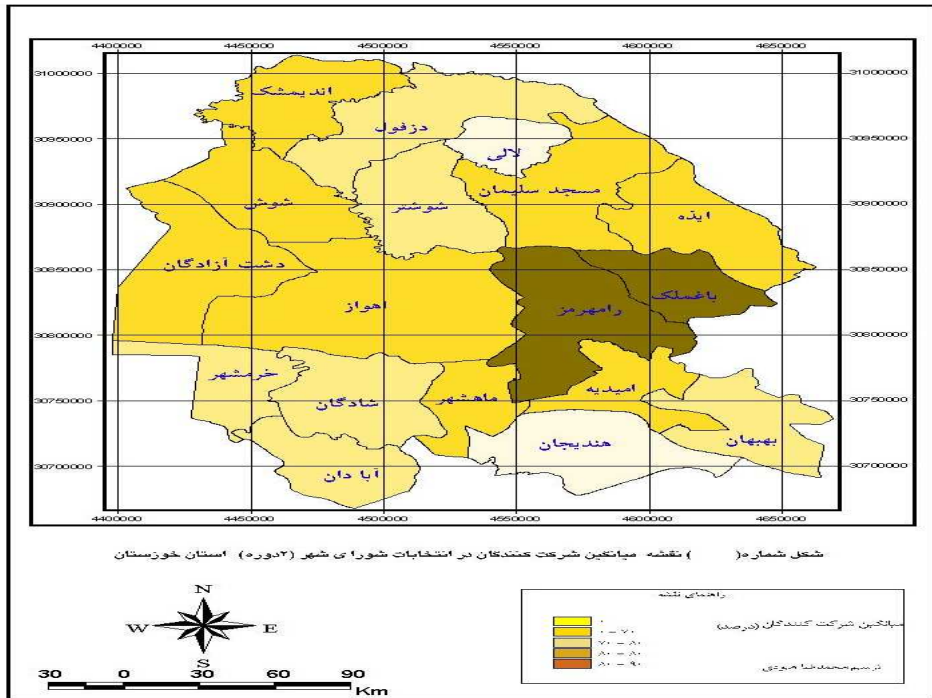
شکل ۳: نقشه میانگین شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (۷ دوره) (منبع: مولفین، سال ۱۳۸۹)

بر اساس نقشه و جدول شماره ۱ بیشترین میانگین درصد مشارکت مردم استان در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری مربوط به شهر امیدیه با ۷۳/۶۳ و کمترین میانگین درصد مشارکت با ۴۰/۴ و ۴۷/۱۶ مربوط به شهرهای لالی و باغملک (۱۰۰ درصد فارسی زبان) است. بر اساس نقشه شماره ۲ و جداول ۱ و ۲ بیشترین میانگین مشارکت مردم استان خوزستان در انتخابات مجلس شورای اسلامی با ۷۴/۰۴ درصد متعلق به شهر ایذه (۱۰۰ درصد فارسی زبان) و کمترین میانگین مشارکت با ۵۲/۴۴ درصد مربوط به شهر شادگان (۱۰۰ درصد فارسی زبان) است. طبق نقشه شماره ۳ و جداول فوق، بالاترین میانگین درصد مشارکت در دو دوره مجلس خبرگان رهبری با ۵۲/۸ و ۵۱/۵۵ درصد به ترتیب متعلق به شهرهای امیدیه (۱۰۰ درصد فارسی زبان) و بهبهان (۱۰۰ درصد فارسی زبان) و کمترین میانگین مشارکت با ۲۷/۱ درصد متعلق به شهر آبادان است.



شکل ۴: نقشه میانگین شرکت کنندگان در انتخابات مجلس خبرگان (دوره ۲)

(منبع: مولفین، سال ۱۳۸۹)



شکل ۵: نقشه میانگین شرکت کنندگان در انتخابات شورای شهر (دوره ۲) (دوره)

(منبع: مولفین، سال ۱۳۸۹)

براساس نقشه شماره ۴ و جدول شماره ۱ بیشترین میانگین مشارکت در دو دوره انتخابات شوراهای اسلامی با ۸۷/۶ درصد مربوط به شهر باغملک و کمترین میزان مشارکت با ۵۲/۴ درصد مربوط به شهر آبادان (۵۸ درصد عرب) است. که بر اساس جدول شماره ۲ قومیت هر ۵ عضو شورا در شهر باغملک فارسی زبان است و کمترین میانگین درصد مشارکت در شهر آبادان است که هر ۹ عضو شورا دارای قومیت غیر عرب هستند. با تحلیل جداول و نقشه‌های فوق نتیجه می‌گیریم که ارتباط معناداری بین قومیت عرب و افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد.

#### مدیریت‌های سیاسی اقوام در استان

الگوی توزیع فضایی قدرت سیاسی و اجرایی در هر کشوری تابع ماهیت دولت و الگوی حکومتی آن کشور است. از آنجایی که الگوی حکومت جمهوری اسلامی ایران بسیط و تک

ساخت است، باید نحوه توزیع فضایی قدرت و مدیریت سیاسی را در قالب این الگو تبیین و تشریح کرد. در الگوی بسیط حکومتی ایران قدرت سیاسی- اجرایی در رأس هرم ساختار سیاسی حکومت متمرکز است. از سوی دیگر براساس اصل تفویض اختیار، قدرت کنترل شده به تدریج با روندی کاهنده به سطوح و دوره‌های پایین‌تر ساختار حکومتی انتقال و انتشار می‌یابد. طبق اطلاعات جمع‌آوری شده، عالی‌ترین مدیریت سیاسی استان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در اختیار قوم فارس زبان قرار گرفته است. این امر خود به خود بین هویت‌های قومی و ملی مردم استان فاصله ایجاد کرده و به تبع آن همبستگی ملی و مشارکت سیاسی آنان را کاهش داده است، زیرا آنان نوعی احساس بیگانگی نسبت به دولت مرکزی در خود حس می‌نمایند. با مقایسه میانگین درصد قومیت اعضای دو دوره اعضای شورای شهر و میانگین درصد مشارکت مردم در جداول ۱ و ۲ مشخص شد که ارتباط معناداری بین قومیت عرب و نامزدهای شورای شهر و افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد. مثلاً شهر اهواز با ۶۲/۳۱ درصد قومیت عرب، جزو بالاترین افراد مشارکت‌کننده در انتخابات شورای شهر با ۸۵/۹۵ درصد است که اکثریت اعضای شورای شهر را با قومیت عرب دارا می‌باشد. یا در شهر شوش با ۸۳/۵۴ درصد قومیت عرب و دارا بودن اکثریت نامزدها با قومیت عرب ۵ نفر از ۷ نفر، تقریباً بالاترین میزان مشارکت را (۸۳/۳۰ درصد) در انتخابات نشان می‌دهد و شهر شادگان نیز همین وضعیت را دارا می‌باشد.

### سیاست‌های قومی در خوزستان در یک قرن اخیر

در دوره رضاشاه شاهد تمرد و سرکشی (شیخ خزئل) به تحریک انگلیسی‌ها در خوزستان بودیم که در سال ۱۳۰۱ سرکوب شد. در زمان پهلوی دوم هر چند قیام‌های مهمی نظیر قیام تمرد و سرکشی را شاهد نبودیم، اما تبلیغات حزب توده و به دنبال آن اعتصاب‌های کارگری را داشتیم که در شکل‌گیری آنها نقش کشورهای ناسیونالیست عرب نظیر مصر و عراق را نباید نادیده گرفت. در خوزستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دولت‌های عربی به‌ویژه عراق نیز برای دستیابی به اهدافشان افکار ناسیونالیستی عرب را در مناطق عرب‌نشین این استان تبلیغ می‌کردند که این حرکات منجر به شورش آبادان و خرمشهر شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۲). حرکات شیخ شبیر خاقانی به عنوان هماهنگ‌کننده نیروهای معارض با انقلاب نوپای ایران و درگیری‌های نیروهای

ناسیونالیست عرب با انقلابیون و همچنین، تماس نیروهای عراقی با این گروه‌های واگرا سبب تشدید بحران در این استان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شده بود (جدول شماره ۲).

جدول ۲: سیاست‌های قومی تاریخ معاصر ایران - (استان خوزستان)

واگرایی قومی و ناحیه‌ای	برخورد دولت مرکزی	عملکرد سیاسی و اداری دولت مرکزی
دوره پهلوی اول	-	-
قیام سرکشی و ترمرد (شیخ خزئل) و تجزیه خوزستان	سرکوب و دستگیری سرکشان و ترمرد (شیخ خزئل) توسط قوای رضاخان به سال ۱۳۰۱ ش	از بین بردن تشکیلات محلی سرکشان، سرکوب نخبگان محلی، مبارزه با قوم گرایی و تقویت ارتش و اجباری کردن سربازی
دوره پهلوی دوم	-	-
تبلیغات حزب توده اعتصاب‌های کارگری و تحریک اعراب توسط کشورهای مصر و عراق برای جدایی خوزستان	سرکوب توسط نیروهای نظامی و برخورد با عوامل و نیروهای واگرا	برچیدن تشکیلات حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تلاش در جهت ایجاد همگرایی در بین اعرابی و غیرعرابه‌های ساکن بوسیله کارهای فرهنگی، بالا بردن سطح رفاه در بین مردم استان بوسیله ایجاد مراکز صنعتی و کشاورزی، تبلیغ ناسیونالیسم ایرانی و رواج زبان فارسی در بین ساکنین استان
بعد از انقلاب اسلامی	-	-
شورش در آبادان و خرمشهر	سرکوب و تعقیب توسط قوای دولتی	توسعه راهها، افزایش اعتبارات عمرانی، تقویت نیروی نظامی و شبه نظامی و تأکید بر ایدئولوژی اسلامی
دوره کنونی (۱۳۸۴)	-	-
تبلیغ ناسیونالیسم عربی - مبارزات ضد دولتی - ارتباط با بیگانگان - اقدامات تروریستی	سرکوب و تعقیب توسط قوای دولتی - کنترل مرزها - اقدامات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - مقابله با دخالت بیگانگان	کنترل مدیریت سیاسی استان، اقدامات امنیتی، تأکید و تقویت ایدئولوژی اسلامی (شیعه‌گری)

منبع: پاک‌مهر، علی؛ روند تمرکز نظام سیاسی در ایران بعد از انقلاب مشروطه، سال ۱۳۸۱.

طبق جدول شماره ۲ در دوره پهلوی اول شیخ خزئل جهت تجزیه خوزستان قیام کرد و دولت مرکزی با سرکوب نیروهای قیام‌کننده و دستگیری وی ضمن اضمحلال تشکیلات آنها، به سرکوب نخبگان محلی و مبارزه با قوم‌گرایی و تقویت ارتش پرداخت. در دوره پهلوی دوم تبلیغات حزب توده و تحریک عرب‌ها از سوی کشورهای مصر و عراق در تجزیه خوزستان،

سرکوبی آنها از سوی دولت مرکزی را دربرداشت. بعد از انقلاب اسلامی ایران تبلیغات ناسیونالیسم عربی و مبارزات ضددولتی در این استان مشاهده شده، که دولت مرکزی ضمن سرکوب آنها، کنترل مرزها و اقدامات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز به کار برده است. باتوجه به نتایج به دست آمده تحقیق، تمایلات قومی در فرایند مشارکت سیاسی در استان خوزستان مؤثر بوده، لذا فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است.

### نتیجه گیری

به دنبال تحولات درنظام جهانی و خودآگاهی اقوام از مطالبات وخواسته‌های خود به واسطه عصرفن‌آوری اطلاعات، رسانه‌های جمعی، گروهی و کمرنگ شدن نقش دولت‌ها، کشور ایران نیز از این تغییرات به دور نمانده است. استان خوزستان هم به لحاظ موقعیت خاص خود بی‌تأثیر نبوده و در ابعاد داخلی و خارجی در حالت شکنندگی قرار دارد. بنابراین منطقه خوزستان چون در نقطه اتصال شیعیان ایران و عراق قراردارد یک منطقه ژئوپلیتیکی برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و حتی منطقه‌ای محسوب می‌شود که توجهات هوشیارانه دولت مرکزی را برای حفظ آرامش در این استان می‌طلبد.

میزان حضور اقوام استان درانتخابات و میزان مشارکت سیاسی، بازتابی از هویت قومی آنها را نشان می‌دهد، به نحوی که نامزدهای انتخاباتی که از میان اقوام بوده‌اند، مانند انتخابات شوراهای اسلامی شهر با میانگین ۶۹/۶۱ درصد و مجلس شورای اسلامی با میانگین ۶۱/۶۴ درصد، مشارکت سیاسی اقوام در هر دو گروه عمده قومی استان بالاست به‌خصوص در مورد میزان مشارکت در انتخابات شوراهای شهر که کاملاً انتخاباتی محلی بوده و نامزدهای قومی در آن شرکت می‌کنند، این درصد بیشتر است. براساس جدول شماره ۲ بعد از انقلاب اسلامی تاکنون تمام استانداران قومیتی غیرعرب داشته‌اند که این عامل محرکی جهت تقویت هویت قومی در برابر هویت ملی می‌باشد، دولت مرکزی ضمن اتخاذ سیاست‌های قومی متناسب با جغرافیای منطقه بهتراست افرادی دارای صلاحیت‌های (علمی، تعهد) از قومیت‌های مختلف (فارسی زبان-) عرب را با بررسی سوابق آنها برای احراز پست‌هایی از قبیل استاندار یا فرماندار و غیره انتخاب نماید، تا در تصمیم‌گیری و اجرا هویت قومی را در راستای هویت ملی تقویت نماید.

بررسی و تحلیل جدول فوق مبین این مسئله است که همیشه نیروهای خارج مرزی و



اپوزیسیون‌های داخل مرزی بویژه در استان در هر خلاء سیاسی فرصت را جهت تحرکات ضدانقلابی و تجزیه خوزستان مغنم شمرده، و بهتر است دولت نیز سیاست‌هایی که جهت حمایت از تکثرگرایی تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده گروه‌های چند قومی از یکدیگر طراحی و تشویق نموده، و در عمل به کار گرفته تا گروه‌های قومی تبدیل به گروه‌های ذینفع سیاسی شوند و نسبت به یک نظام سیاسی مشترک و واحد وفادار بوده و مجموعه یکسانی از ارزش‌های قومی را ادراک نمایند. بدین ترتیب تعلقات، گرایش‌ها و تمایلات قومی در مشارکت سیاسی تأثیر داشته که عمدتاً نیز متأثر از عوامل جغرافیایی، نژادی، زبانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. بنابراین حضور و نقش اقوام استان خوزستان در فرآیند مشارکت سیاسی و شرکت در مسایل سیاسی بازتابی از عوامل مذکور بوده و هویت قومی آنها را در فرآیند مشارکت سیاسی به خوبی نشان داده است. بدین ترتیب فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

Archive of SID

## منابع

۱. آبراکرومی، نیکلاس؛ هیل استفن؛ برایان، اس ترنر (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش؛
۲. احمدی، حمید (۱۳۷۹)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت؛ چاپ دوم، تهران، نشر نی؛
۳. الطایی، علی (۱۳۸۲)، بحران هویت قومی در ایران؛ چاپ دوم، تهران، نشر شادگان؛
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۰)، بازدارندگی و همپایگی استراتژی، چاپ اول، نشر قومس، تهران؛
۵. اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)، منابع قومی ناسیونالیسم، واحد ترجمه فصلنامه مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، بهار ۱۳۷۷؛
۶. بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۸۰)، اصول علم سیاست، چاپ دوم، تهران، نشر مؤسسه انتشارات آوای نور؛
۷. برتون، رولان (۱۳۸۰)، قوم شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ اول، تهران، نشر نی؛
۸. بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی؛
۹. پیتر ولکی و مارسدن (۱۳۷۰)، رهیافت مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه: منصور محمودنژاد، وزارت جهاد سازندگی؛
۱۰. پاک‌مهر، علی (۱۳۸۱)، روند تمرکز نظام سیاسی در ایران بعد از انقلاب مشروطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس؛
۱۱. پیردشتی، حسن (۱۳۸۰)، رفتار سیاسی قوم ترکمن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس؛
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ اول، تهران، نشر سمت؛
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت؛
۱۴. راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، چاپ اول، تهران، نشر سمت؛
۱۵. سیادت، موسی (۱۳۷۹)، تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر، چاپ اول، جلد اول و دوم، انتشارات عصر جدید؛

۱۶. صدر، ضیا (۱۳۷۵)، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، انتشارات اندیشه نو؛
۱۷. عبدی، عطاء... (۱۳۸۱)، بررسی نسبت بین احساس محلی‌گرایی و ملی‌گرایی، مورد تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس؛
۱۸. قیصری، نوراله (۱۳۷۷)، قومیت عرب و هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار ۱۳۷۷؛
۱۹. لک، منوچهر (۱۳۸۴)، هویت ملی در شعر معاصر ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴؛
۲۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت؛
۲۱. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛
۲۲. مکنزی، یان و دیگران (۱۳۷۵): مقدمه‌ای بر ایدئولوژی سیاسی، م. قائد، تهران، نشر مرکز، ص ۲۱۸؛
۲۳. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛
۲۴. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، تمدن‌ها، بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمدسرتیپ، نشریه مردم سالاری؛
۲۵. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷؛
۲۶. معاونت سیاسی استانداری استان خوزستان، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷؛

27. Oommen, t.k.citizenship, nationality and ethnicity, Cambridge, polity press, 1997, p.67;
28. Birch, a. h.(1987), minority nationalist movements and theories of political integration, world politics, pp ,325;
29. Rogowski, r. (1985), rational legitimacy; a teory of political support, Princeton, NJ; Princeton university press;
30. Hall, r.l. (2002), ethnic autonomy – comparative studies and history, pp, 145;
31. Olzak, s. (1992), contemporary ethnic mobilization; annual review of sociology, pp, 322.